

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین
(مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول شهر تهران در سال ۱۳۹۸)

^۱ ابوالفضل تجرد

^۲ بهرام قدیمی

^۳ زهرا علی‌پور درویشی

^۴ شهلا حجت

^۵ معصومه شجاعی

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

چکیده

مطالعه حاضر با هدف شناسایی و تبیین پدیده داغ ننگ در جامعه ورزش معلولین اجرا و از روش تحقیق ترکیبی با طرح اکتشافی استفاده شد ابتدا در بخش کیفی پژوهش با استفاده از تکنیک گراند تئوری مدل استراوس و کوربین، مصاحبه با ۷۰ نفر و سپس، در بخش کمی به شیوه پیمایشی پرسشنامه در اختیار ۱۲۰ نفر از ورزشکار معلول قرار داده شد. اعتبار پرسشنامه را صاحب‌نظران تأیید کردند و پایایی آن با آلفای کرونباخ (۰/۹۷۱) محاسبه شد در این خروجی از مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس استفاده به بررسی مسیرهای مشخص شده پژوهش مطابق با مدل مفهومی پرداخته شد که محکی برای اعتبار «نظریه بر پایه» تلقی می‌شود. یافته‌ها نشان داد که داغ ننگ به‌عنوان یک برساخته اجتماعی چگونه بر هنجارهای جامعه ورزشی و طرد اجتماعی در این افراد و جلوگیری از شرکت فعالانه آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی ورزشی نقش ایفا می‌کند که منجر به پدیده بهره‌کشی ابزاری از فرد معلول ورزشکار چه در سطح فرد، خانواده و جامعه ورزشی می‌شود این پدیده بهره‌کشی از معلولان ورزشکار همزمان می‌تواند جزء شرایط علی، شرایط پدیده، شرایط کنش و تعامل محسوب شود. شاخص برآزش مدل کمی ۰/۰۸۸ که بیانگر مطلوبیت قوی مدل است و می‌تواند الگوی مناسبی با نگاهی کلی‌گرا، سیستمی و بلندمدت به مقوله‌ی ورزش معلولین باشد و می‌کوشد تا راهنمای عمل مدیران در افق‌های زمانی دورتر و حیطه‌های وسیع‌تر اجرایی باشد.

واژگان کلیدی: داغ ننگ، تبیین جامعه‌شناختی، ورزش، معلول ورزشکار.

-
- ۱- دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی ورزش، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران.
 - ۲- دانشیار، گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشکده اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران (نویسنده مسئول).
dr.b.ghadimi@gmail.com
 - ۳- دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران.
 - ۴- استادیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج. ایران.
 - ۵- دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه الزهراء، تهران. ایران.

مقدمه

معلولیت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از ادوار گذشته تاکنون در جوامع وجود داشته است، به طوری که از نظر شناخت موجودیت و روابط فی‌مابین اجتماعی نیز همیشه به‌عنوان یک مشکل اساسی مطرح بوده و بین تکامل اجتماعی و علمی بشر از یک سو و وضع اجتماعی افراد معلول از سوی دیگر روابط مشخصی وجود نداشته است (ناظمی، ۱۳۹۶: ۲). پدیده معلولیت از نظر شدت، نوع و نحوه مقابله و برخورد با آن، شرایط متفاوتی در جوامع داشته است. آنچه مسلم است این که ناتوانی و معلولیت حقیقی در کلیه جوامع و در طول تاریخ اجتناب‌ناپذیر بوده است. در تعریفی که امروزه سازمان بهداشت جهانی از معلولیت ارائه می‌کند، نقص یک عضو، چیزی بیش‌تر از یک تفاوت نیست. این تفاوت اگر فرد را با محدودیت‌هایی در زندگی روزمره‌اش روبرو ساخت و او را از حقوق بدیهی انسانی‌اش محروم کرد، باید ما را متوجه ایرادهای قوانین و سیطره کلیشه‌های اجتماعی نادرست در جامعه کند (موسوی داور و همکاران، ۱۳۹۷: ۹)، در جامعه ایران از جمله شهر تهران عدم رعایت ضوابط فنی از لحاظ احداث معابر و ساختمان‌ها و عدم توجه به استفاده همگانی از محیط‌های ورزشی، تفریحی و... موجب شده که معلولان به محیط خانه محدود شده و به اشخاص منزوی و دور از دیگران مبدل گردند.

یکی از عوامل مهم در برقراری تعاملات اجتماعی معلولان، حضور آنان در ورزشگاه‌ها و اماکن ورزشی به‌عنوان تماشاگر یا ورزشکار است. ارائه امکانات و خدمات به‌صورت عادلانه یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت شهری است که در سکونتگاه‌های شهری ایران از جمله شهر تهران برای ورزش معلولان از نخستین استانداردهای اولیه نیز برخوردار نیستند. براساس آمار ارائه شده از سازمان بهزیستی کشور، ۱۱ درصد جامعه ایران دارای درجات مختلفی از معلولیت خفیف، متوسط و خیلی شدید هستند که چهار درصد آن‌ها دارای معلولیت‌های شدید و خیلی شدید در بخش‌های معلولان ذهنی، نابینا، ناشنوا و... قرار دارند. این امر به‌خوبی نشان‌دهنده توجه بیشتر به این گروه از جامعه در بخش‌های مختلف به‌خصوص افزایش تعاملات اجتماعی آن‌ها از طریق حضور در مراکز و اماکن ورزشی است. همین‌طور بر مبنای آمار به‌دست آمده از شهرداری تهران در سال ۱۳۹۷، این شهر دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر شهروند معلول و کم‌توان است که حدود ۱/۲۵ درصد از جمعیت شهر تهران را شامل می‌شود. بررسی‌هایی که در زمینه بررسی مسائل و مشکلات ورزشگاه‌های شهر تهران به‌منظور استفاده معلولان به‌عمل آمده، نشان می‌دهد که شرایط این اماکن بسیار نامناسب است که این امر باعث کاهش استفاده از امکان ورزشی به‌وسیله معلولان جسمی حرکتی و در ادامه مشکلات اجتماعی فراوانی شده است. از ورزشگاه‌های شهر تهران که با توجه به حجم سرمایه‌گذاری در طی سال‌های اخیر، استانداردهای مورد نیاز معلولان در آن رعایت نشده و می‌توان به ورزشگاه پاس در منطقه ۲۱ شهر تهران، مجموعه ورزشی الزهرا در منطقه ۵ تهران، مجموعه ورزشی شیروودی در منطقه ۷ تهران و مجموعه ورزشی شهدای آزادی در منطقه ۹ تهران را نام

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول ...)

برد. جامعه‌شناسان ثابت کرده‌اند که مشکلات روانی یک فرد معلول که زاییده عدم آمیختگی او با محیط اطراف خود و انزواطلبی و گوشه‌گیری آن فرد است، می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری بر جامعه و مناسبات حاکم بر آن داشته باشد (رحمانی، ۱۳۹۸: ۱۲۸). این ورزشکاران معلول مانند دیگر اقشار جامعه، توانایی‌های خاص خودشان را دارند، توانمندی‌هایی که نادیده گرفتن آن‌ها، به زیان کل جامعه تمام می‌شود (موسوی داور و همکاران، ۱۳۹۷: ۹).

معمولاً در جوامع مختلف از جمله ایران، شناخت صحیحی از افراد معلول وجود ندارد و نگرش افراد جامعه نسبت به آنان، منفی و تصور بر این است که فرد معلول، شخص ناتوانی است که احتیاج به ترحم دیگران دارد. ورزش برای افراد معلول نقش اصلی و اساسی در زندگی آن‌ها خواهد داشت. فرد معلول باید برنامه‌ای منظم برای فعالیت‌های ورزشی داشته باشد و ورزش با زندگی معلول رابطه‌ای مستقیم دارد. زیرا اگر فعالیت نداشته باشد ارگان‌های بدن دچار اختلال خواهد شد و ورزش عاملی ضروری در جهت ادامه زندگی اجتماعی معلول محسوب می‌گردد (اسد، ۱۳۸۴: ۱۵). به همین دلیل متخصصان تربیت بدنی و ورزش معلولان بر این باورند که اگر ورزش برای غیر معلولان امری مستحب است، برای معلولان امری واجب است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

اصطلاح معلولیت در ورزش، به این منظور به کار گرفته شده تا بر مسایل مربوط به برجسب زدن، داغ ننگ، هویت و سیستم‌های طبقه‌بندی چه با هدف مشارکت و چه عدم مشارکت تأکید شود. معلولیت، پارادایمی است که ساختاری اجتماعی دارد و توسط نظام‌های طبقه‌بندی ورزشی و فرهنگی که خود می‌توانند نهادینه شوند و عمومیت یابند، توزیع می‌شوند. (گودلی^۱، ۲۰۱۶: ۱۶۰). روند تکامل ورزش معلولین با بهره‌گیری از چنین نگرشی، پویایی را به‌عنوان یک انگیزه قوی در فعالیت‌های ورزشی به کار گرفت. رقابت در ورزش‌های معلولین بر مبنای دو اصل اساسی انجام می‌پذیرد: ۱- میزان توانمندی هر فرد از ورزشکاران حاضر در مسابقات ۲- رقابت عادلانه بر مبنای برابر بودن فرصت‌ها برای ورزشکاران (اسد، ۱۳۸۴: ۱۷۶). معلولان ورزشی به‌دلیل محدودیت‌هایی که دارند (با توجه به نوع معلولیت) برای انجام ورزش کردن با یکسری معضلات و موانع روبرو هستند که تماماً ناشی از نوع فیزیولوژیکی بدن معلولان (معلولان حسی، معلولان جسمی یا حرکتی، معلولان ذهنی - روانی) و علل معلولیت شان (علل مادرزادی، علل اکتسابی) نیست بلکه ناشی از جامعه و ساختارهای جامعه ورزشی و احساس داغ ننگ می‌باشد (گورالنیک^۲؛ ۲۰۱۶: ۲۵۵) بر این اساس داغ ننگ^۳ که درون روابط رودررو اتفاق می‌افتد

1 Goodley

2 Graveelnick.

3 stigma

(لیوینگستون و بوید^۱، ۲۰۱۶: ۲۴۹)، نگاه دیگران، رفتار آنان و واکنش‌های منفی آنان، این روند داغ ننگ را تشدید می‌کند و حتی تصویر ذهنی معلول ورزشکار از خود، ناشی از واکنش دیگران و حتی تصویر ذهنی آنان از او است (جبللی، ۱۳۹۱: ۷) که در حوزه ورزشی با توجه به زمینه‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه، مصادیق متفاوت را در بر می‌گیرد.

داغ ننگ یک نیروی اجتماعی مودنی است که هم در ورزش معلولین و معلولین ورزشکار وجود دارد ولی این وجود عینی‌تری در ورزش معلولین به خود می‌گیرد و برای احیاء و توسعه ورزش معلولین، پدیده‌ی داغ ننگ یک آسیب و مانع بزرگی است و نمی‌گذارد پیشرفت اتفاق افتد و برابری فرصت‌ها برای همه ورزشکاران در مسابقات ورزشی فراهم آورد. فرد معلول که با معلولیت‌شان دست و پنجه نرم می‌کنند، نه تنها باید تاوان محدودیت جسمانی شان را بدهند (مثل کوری، کری، فلج دو پا)، بلکه باید بر موانع اجتماعی ویژه نیز چیره شوند و یکی از این موانع احساس داغ ننگ است که تنها می‌تواند در درون ساختار اجتماعی وجود داشته باشد و یک برساخته‌ی اجتماعی - فرهنگی سیال و زنده است (عباداللهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۸). داغ ننگ یک فرایندی است که تبعات زیادی همراه خود دارد، یکی از تبعات داغ ننگ، تبعیض است، تبعیض از واژه لاتین *discriminatio* مشتق شده است که به معنای رفتار فردی که فرصت‌های یک گروه خاص را محدود می‌کند. (تالپوروس^۲، ۲۰۱۶: ۸۷)، تبعیض با تعصب (نگرش‌ها و برچسب‌ها)، رفتارهای قلبی و داغ ننگ و ایدئولوژی‌هایی که ممکن است با زبان‌هایی علیه قربانیان همراه باشند، فرق دارد (ابلون^۳، ۲۰۱۵: ۹۳). داغ ننگ را می‌توان تأکید بر پیوندهای ذهنی و عینی کنشگران اجتماعی دانست ولی تبعیض، تمرکز آن بر رفتار است (البرکت^۴، ۲۰۱۵: ۲۹). تبعیض را باید مادر ناتوانی معرفی کنیم، اولین و مهم‌ترین پیامد تبعیض علیه معلولان ورزشی، ناتوان کردن یا به استضعاف کشیدن آن‌هاست. تأکید و بزرگ‌نمایی جامعه خانواده، مدرسه، دانشگاه، باشگاه ورزشی، محیط‌های ورزشی و شغلی و... در خصوص محدودیت‌های این افراد و ناباوری، اغماض، کم‌بینی و حتی نادیده گرفتن قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان، فرصت‌های پرورش و شکوفایی استعدادهای بالقوه ایشان را سلب و سرکوب می‌کند و از یک انسانی که می‌تواند توانا، مستقل، مفید و قابل اتکا باشد؛ فردی وابسته، ناتوان و بی‌کفایت می‌سازد. تحمیل برچسب ناتوانی به این افراد از سوی جامعه، صرف نظر از استثنائات، عاملیت ایشان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و موجب پذیرش این برچسب از سوی ایشان می‌شود. بدین‌سان تبعیض، ناتوان تولید می‌کند. (باومن^۵، ۲۰۱۵: ۱۳۳). لذا پژوهش حاضر درصدد دستیابی پاسخ به این

1 Livingstone and Boyd

2- Talpwrws

3- ablon

4- albarakat

5- Bauman

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول . . .

سؤال می‌باشد که تأثیر داغ ننگ از دیدگاه جامعه‌شناسی بر ابعاد مختلف کنش اجتماعی ورزشکاران معلول چگونه تبیین می‌شود؟

تحقیقی که ریدال^۱ (۲۰۱۸) انجام داده است، به بررسی روند اجتماعی شدن برای زنان دارای معلولیت معلولیت جسمی ورزشی پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که هر دو محیط (به‌عنوان مثال، شرایط جغرافیایی، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، و فرصت‌های ورزشی) و تأثیرات فردی (خودپنداری، مرحله چرخه زندگی، یادگیری، ادراک، انگیزه، نگرش و ویژگی‌های جسمی) بر روند اجتماعی شدن ورزشکار معلول تأثیر می‌گذارد. عوامل اصلی اجتماعی‌سازی برای ورزشکاران معلول را مربیان، سایر ورزشکاران، افراد، اردوهای آموزشی، دانشمندان ورزش و کنفرانس‌ها یافتند (ریدال، ۲۰۱۸). نقدی که بر این تحقیق حاکم است فقط به نظریه محیط فرد معلول تمرکز دارد و به ابعاد دیگر توجه نکرده است. تحقیقی که کیوپیس^۲ (۲۰۱۸) انجام داده است، به بررسی ورود به ورزش: ناتوانی و مشارکت پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که موانع معمول افراد معلول برای شرکت در ورزش شامل عدم آگاهی افراد معلول در مورد چگونگی مشارکت کافی آن‌ها در تیم‌ها است. کمبود فرصت‌ها و برنامه‌ها برای آموزش و رقابت؛ امکانات دسترسی کم به دلیل موانع فیزیکی و محدودیت اطلاعات و دسترسی به منابع است (کیوپیس، ۲۰۱۸). نقدی که بر این تحقیق صورت می‌گیرد فقط به جنبه روانشناختی و خودشناسی پرداخته است. تحقیقی که چت فیلد^۳ (۲۰۱۸) انجام داده است، به بررسی درک ورزشکاران در ورزش معلول و غیرمعلول پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که دلیل اصلی انتخاب معلولین برای شرکت در ورزش پاسخ به درک اجتماعی ضعیف است. اگرچه اظهار داشتند که لحن منفی برخی از رسانه‌ها در مورد ورزش معلولیت ممکن است برای جلوگیری از مشارکت در ورزش معلولیت باشد (چت فیلد، ۲۰۱۸). نقدی که بر این تحقیق است فقط به نظریه شناختی - اجتماعی ذهن و ادراک توجه کرده است. تحقیقی که میلز و همکاران^۴ (۲۰۱۷) انجام داده است، به بررسی تبعیض در برابر معلولین ورزشکار پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است، که تبعیض نسبت به معلولان در تیم‌های ورزشی هنوز یک واقعیت است و گرچه آثار اجتماعی این پدیده به همراه دارد. نسبت به موارد مرتبط گاهی اوقات خشونت‌آمیز می‌شود (میلز و همکاران، ۲۰۱۷). نقدی که بر این تحقیق گرفته می‌شود فقط از دیدگاه نظریه تبعیض به مسأله توجه شده است. تحقیقی که شکری و همکاران (۱۳۹۸) انجام داده است به بررسی مقایسه سلامت روان معلولین حسی ورزشکار و غیر ورزشکار می‌پردازد که احساس

-
- 1- Rydal
 - 2- Qpace
 - 3- Chatfield
 - 4- Mills

داغ ننگ باعث اضطراب و بی‌خوابی و افسردگی می‌شود، ورزش و فعالیت جسمانی می‌تواند سلامت روان افراد معلول حسی را بهبود بخشد. فعالیت بدنی سبب می‌شود تا آن‌ها از طریق ورزش اعتماد به نفس و سلامت روان بهتری بدست آورند و با روحیه بهتری جهت انجام کارهای روزانه و شخصی خود در جامعه حضور داشته باشند (شکری و همکاران، ۱۳۹۸). نقدی که بر این تحقیق صورت می‌گیرد فقط به جنبه روانشناسی فرد ورزشکار معلول توجه کرده است. تحقیقی که ایرجی نقندر و همکاران (۱۳۹۸) انجام داده است به بررسی تعیین روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ی رضایتمندی نیازهای اساسی در جانبازان و معلولان ورزشکار می‌پردازد که عوامل شایستگی، استقلال و ارتباط را به‌عنوان بخشی از نیازهای اساسی در جانبازان و معلولان ورزشکار می‌بیند (ایرجی نقندر و همکاران، ۱۳۹۸). نقدی که بر این تحقیق لحاظ می‌شود فقط به جنبه روانشناسی اجتماعی و نظریه نیازها توجه کرده است. تحقیقی که قدردان و همکاران (۱۳۹۸) انجام داده است به بررسی موانع مشارکت معلولین ورزشکار و غیرورزشکار در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی شهر قزوین) می‌پردازد که والدین می‌توانند نقش مؤثری در انگیزه دادن به فرزندان خود در انجام فعالیت‌های ورزشی داشته باشند (قدردان و همکاران، ۱۳۹۸). نقدی که بر این تحقیق گرفته می‌شود فقط به نقش نهاد خانواده توجه کرده است. پژوهش حاضر را شاید بتوان گفت که از زاویه‌ای نسبتاً جدیدتر با رویکرد کیفی به مقوله تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین که همزمان به انواع تبعات داغ ننگ علل، بستر و شرایط دخیل و پیامدها و استراتژی‌ها و آرایه راهکارهایی در جهت کاهش این داغ ننگ که منجر به توسعه و اعتلای ورزش معلولین می‌شود را بررسی کرده است این تحقیق که در نوع خود مطالعه جدیدی است که در تحقیقات پیشین فاقد بررسی این تنوع بعدها با هم بوده است و تنها از یک جنبه به تبعات قضیه مورد پژوهش مورد نظر ما پرداخته‌اند، نوآوری کار تحقیق در این می‌باشد که در شرایط ساختاری و اجتماعی ایران با یک دید چند بعدی به این مسأله داغ ننگ و پیامدهای آن هم از نوع بهره‌کشی ابزاری که در جامعه ورزشی و تیم‌های ورزشی پارالمپیک اتفاق می‌افتد پرداخته شده است و شرایط کنش فرد ورزشکار معلول را پیچیده و بحرانی می‌کند و بی‌توجهی به این پدیده آسیب‌های فراوانی برای جامعه ورزش معلولین رقم می‌خورد و نتایج حاصل از آن در شکل تحدید و تضعیف توانایی‌ها و استقلال ورزشکار معلول، و پیامد طرد اجتماعی و ازخودبیگانگی در ورزشکار معلول، سلب فرصت کم جهت شکوفاشدن استعدادهای نهفته ورزشکار معلول می‌باشد.

در نگاه نظریه کلان مدل اجتماعی با نگاه واقع‌گرایانه و بر ساخت‌گرایانه، معلولیت را در محیط اجتماعی خود فهم می‌کند. این مدل از دریچه فرهنگ و جامعه به مسأله معلولیت می‌نگرد و هم علل معلولیت، هم فرایند تعریف معلولیت و هم نتایج و پیامدهای معلولیت را تحلیل می‌کند. موضع واقع‌گرایانه مدل اجتماعی معلولیت را انکار نمی‌کند و شرایط وجودی و هستی‌شناختی آن را می‌پذیرد اما معتقد است

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول ...)

که فرایند تعریف معلولیت در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع این رویکرد نظام اجتماعی را در مقابل فرد معلول مسئول می‌داند (درینگتون^۱، ۲۰۱۴). بر این اساس داغ ننگ که درون روابط رودررو اتفاق می‌افتد، در حوزه ورزشی با توجه به زمینه‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه، مصادیق متفاوت را در بر می‌گیرد که می‌توان در سه سطح ساختاری، اجتماعی و درونی شده طبقه‌بندی کرد (دونکور^۲، ۲۰۱۷: ۲۵۱) داغ ننگ ساختاری که داغ ننگ سازمانی نیز نامیده می‌شود در سطح کلان رخ می‌دهد و به قوانین، سیاست‌ها و رویه‌هایی اشاره دارد. داغ ننگ اجتماعی به منزله‌ی یک داغ ننگ عمومی یا تصویب شده در سطح گروهی تعریف می‌شود. در این سطح (سطح میانی) ما شاهد باورها و عقاید کلیشه‌ای منفی و کنش‌هایی علیه گروه داغ خورده توسط گروه بزرگتر هستیم. داغ ننگ درونی شده نیز به دو نوع داغ ننگ معطوف به خود یا داغ ننگ ادراک شده اشاره دارد که در سطح فردی تعریف می‌شود (هلو^۳، ۲۰۱۷: ۲۵۱).

در نگاه نظریه تعریف اجتماعی مدعی است برچسب زدن شخص معلول ورزشکار به تغییراتی در هویت خویشتن آنان منجر می‌شود و علاوه بر این مردم عادی جامعه با انگ‌زنی و سنخ‌بندی معلولان باعث می‌شوند که رنج معلولیت آن‌ها چند برابر شود. یکی از تبعات داغ ننگ، برچسب‌ها، متلک‌ها و مسخره کردن‌های ترحم (حرف‌ها و نگاه‌های ترحم‌آمیز)، زل‌زدن‌ها، است، نگرش انگ‌زنی ریشه در کنش متقابل نمادین دارد (محسنی تیریزی، ۱۳۹۶: ۳۶۲). فرد ورزشکار معلول، کافی است که در فعالیت ورزشی خود بد بازی کند، فرایند داغ ننگ خوردن از طرف مربی و هم‌تیمی‌های ورزشی به طرفش سرازیر می‌شود. این داغ ننگ در فضا و میدان و جامعه ورزشی اتفاق می‌افتد. یکی از تبعات داغ ننگ، تبعیض است، تبعیض از واژه لاتین *discriminatio* مشتق شده است که به معنای رفتار فردی که فرصت‌های یک گروه خاص را محدود می‌کند. (کسلر^۴، ۲۰۱۶: ۸۷)، تبعیض با تعصب (نگرش‌ها و برچسب‌ها)، رفتارهای قالبی و داغ ننگ و ایدئولوژی‌هایی که ممکن است با زیان‌هایی علیه قربانیان همراه باشند، فرق دارد (لیوس^۵، ۲۰۱۵: ۹۳). داغ ننگ را می‌توان تأکید بر پیوندهای ذهنی و عینی کنشگران اجتماعی دانست ولی تبعیض، تمرکز آن بر رفتار است (اوگیو^۶، ۲۰۱۶: ۳۹). تبعیض را باید مادر مادر ناتوانی معرفی کنیم، باید به ماهیت این پدیده اجتماعی، توجهی جامعه‌شناختی داشته باشیم (اسلر^۷، ۲۰۱۶: ۴۳). اولین و مهم‌ترین پیامد تبعیض علیه معلولان ورزشی، ناتوان کردن یا به استضعاف کشیدن

- 1- Darrington
- 2- Donkor
- 3- holo
- 4- Kessler
- 5- Lives
- 6- Ugbo
- 7- Osler

آن‌هاست. تحمیل برجسب ناتوانی به این افراد از سوی جامعه، صرف نظر از استثنائات، عاملیت ایشان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و موجب پذیرش این برجسب از سوی ایشان می‌شود. بدین‌سان تبعیض، ناتوان تولید می‌کند. (اولیان^۱، ۲۰۱۶: ۱۳۳). اما نظریه انتقادی در سطح بالاتر و عمیق‌تر، این رویه را فرایند پروبلماتیک شدن معلولیت توسط گفتمان نظام سرمایه‌داری می‌داند. بسیاری از فراساختارگرایان و فوکو اندیشان معتقدند که معلولیت یک موضوع گفتمانی است که در دوران حاکمیت نظام سرمایه‌داری شکل گرفته است. آن‌ها خطوط پیوند بین قدرت و دانش را در معلولیت ردیابی می‌کنند. مدل اجتماعی معلولیت زمانی اهمیت بیشتر پیدا می‌کند که نشان می‌دهد معلولیت چگونه می‌تواند به‌عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی شود و پیامدهای خاصی برای فرد معلول ورزشکار، خانواده او و جامعه ورزشی داشته باشد (استیل^۲، ۲۰۱۶: ۱۶۸). چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی است از سطح کلان و خرد می‌باشد. در سطح کلان (نظریه آلبرشت^۳ «طرز اجتماعی» نظریه مرتون^۴ و هایمن^۵ «گروه مرجع» و نظریه پیر بوردیو^۶ «عادتواره») در سطح خرد (نظریه برایان ترنر^۷ «مدل اخلاقی» نظریه جسر و جسر^۸ «رفتار مسأله‌دار» نظریه گئورگ زیمل^۹ «تبدیل گروه از دوگان به سه‌گان» نظریه جورج هربرت مید^{۱۰}، هوارد کاپلان^{۱۱} «خودپندار انگاری و عزت نفس» نظریه چارلز کولی^{۱۲} «خودآینه‌ای» و نظریه اروینگ گافمن^{۱۳}، بکر^{۱۴} و لمرت^{۱۵}، کینگ^{۱۶}، «برجسب‌زنی» می‌باشد.

-
- 1- Olean
 - 2- acetyl
 - 3- Albrecht
 - 4- Merton
 - 5- hymen
 - 6- Pierre Bourdieu
 - 7- Bryan Turner
 - 8- Jessor, R. and Jessor.
 - 9- Georg Simmel
 - 10- George Herbert Mead
 - 11- Howard Kaplan
 - 12- Charles Cooley
 - 13- Erving Goffman
 - 14- Becker
 - 15- Lemert
 - 16- King

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول ...)

جدول شماره (۱): چارچوب نظری

نظریه آلبرشت «طرد اجتماعی»	سطح کلان	
نظریه مرتون و هایمن «گروه مرجع»		
نظریه پریوردیو «عادتواره»		
نظریه گافمن، بکر و لمرت، کینگ، «برچسب زنی»		چارچوب نظری
نظریه برایان ترنر «مدل اخلاقی»		
نظریه زمبل «تبدیل گروه از دوگان به سه گان»	سطح خرد	
نظریه جورج هربرت مید، هوارد کاپلان «خودپندار انگاری و عزت نفس»		
نظریه کولی «خود آینه‌ای»		
نظریه جسر و جسر «رفتار مسأله دار»		

این نظریه‌ها از مهمترین مباحث اعمال شده داغ ننگ در ورزش معلولین می‌باشد دلیل انتخاب این نظریه‌ها به‌عنوان چارچوب نظریه این پژوهش این است که تأکید این نظریه‌ها در سطح کلان معطوف به لایه‌های چندگانه و تحت سیطره‌ی ساختارهای پنهان و زیرین جامعه است از جمله تحت تأثیر گروه مرجع و عادتواره و پیامدهای طرد اجتماعی ورزشکاران معلول قرار گرفته است. در سطح خرد نظریه وابسته به تجربیات و تفسیر کنشگران از پدیده داغ ننگ در برچسب‌زنی، مدل اخلاقی، تبدیل گروه از دوگان به سه‌گان، رفتار مسأله‌دار، خودپندار انگاری و عزت نفس و خودآینه‌ای نقش اساسی دارد پدیده داغ ننگ به‌طور اجتماعی ساخته می‌شود و می‌تواند معانی مختلفی از نظر تفسیر کنشگران داشته باشد.

روش

در این پژوهش از روش تحقیق آمیخته و از گویه‌های متوالی اکتشافی با طرح تدوین مدل استفاده شد. منظور از روش تحقیق آمیخته رویه‌ای برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از طریق ترکیب روش‌های کیفی و کمی در یک مطالعه در راستای درک یک مسأله پژوهشی. طرح متوالی اکتشافی نیز شامل: جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با روش تحقیق کیفی در مرحله اول و سپس استفاده از نتایج آن برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کمی است که در نهایت یک تفسیر و جمع‌بندی کلی از نتایج هر دو روش در قالب یک مطالعه صورت می‌گیرد که این تحت پارادایم پراگماتیسم قرار گرفت و این پارادایم پراگماتیسم در زمینه داغ ننگ در ورزش معلولین متضمن پیش فرض‌های خاص خود است. براساس این دیدگاه، از لحاظ هستی‌شناسی، داغ ننگ، یک پدیده‌ی که نقطه نظرهای گوناگون مرتبط با این واقعیت اجتماعی وجود دارد و بهترین تبیین‌ها در قالب نظام‌های ارزشی شخصی ارائه می‌شود. از لحاظ معرفت‌شناسی هم نقطه نظر عینی و هم ذهنی بسته به مرحله چرخه تحقیق داغ ننگ اهمیت دارد و لذا از لحاظ روش‌شناسی دارای ابعاد و تأویل و تفسیرهای گوناگون می‌باشد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۴۹۳).

ابتدا در بخش کیفی پژوهش با استفاده از تکنیک گراند تئوری مبنای مدل استراوس و کوربین به ماهیت تفهیمی داغ ننگ و نسبت محقق با وجوه ذهنی این واقعیت پرداخته است؛ سوژه‌های مورد مطالعه

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و نهم، تابستان ۱۴۰۰

در بخش کیفی این تحقیق از طریق نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی انتخاب شده‌اند. شاخص انتخاب نمونه به این صورت بود ۱- ورزشکار معلول از تیم‌های پارالمپیک که یک سال فعالیت ورزشی در تیم داشته و در مسابقات مقدماتی قهرمانی نیز شرکت کرده باشد. ۲- ورزشکار معلول مورد نظر، رضایت برای حضور در مصاحبه داشته باشد.

اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری برابر با ۷۰ نفر بود. در این روش محقق پس از استخراج ۷۰ مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته و بدون ساختار از سوژه‌ها (جامعه تحت مطالعه) پرسش‌هایی در محورهای سه‌گانه «چیست»، «چرا» و «چگونه» با در نظر گرفتن الزامات مربوط به تنظیم مدل پارادایمی در باب پدیده مورد مطالعه (داغ ننگ) پرسیده است. شرکت‌کنندگان در طیف سنی میان ۲۰ تا ۴۵ ساله قرار داشتند و در باشگاه ورزشی شیرودی تهران در رشته‌های پارالمپیک ورزشی بازی می‌کردند (جدول ۲). مدت مصاحبه با هر معلول ورزشکار ۳۰ دقیقه بوده است.

سپس، در بخش کمی به شیوه پیمایشی ابتدا پرسشنامه محقق ساخته در یک مطالعه مقدماتی پیش‌آزمون روی ۲۵ نفر از ورزشکار معلول اجرا شد. سپس با توجه به بازخوردهای دریافتی، پرسشنامه اصلاح و نسخه نهایی آن در اختیار ۱۳۰ نفر ورزشکار معلول که بر اساس معرفی آمار فدراسیون ورزش معلولین تمام‌شماری صورت گرفت و پرسشنامه در بین همه آن‌ها توزیع شد و در نهایت ۱۲۰ پرسشنامه غیرمخدوش به دست محقق رسید (جدول ۲). در این تحقیق، اهداف پژوهشی به مشارکت‌کنندگان تبیین و به آن‌ها در خصوص محرمانه بودن مصاحبه (ضبط صدای مصاحبه‌شوندگان) و حفظ رازداری، اطلاعات شخصی که هویت مصاحبه‌شوندگان را افشا نکند، اطمینان خاطر داده شد و به‌منظور ارتقاء ضریب اطمینان حفظ اطلاعات شخصی افراد حتی محتوای مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر تایپ و در فایل‌های مخصوص نگهداری شده است. پس از آن داده‌های گردآوری شده با توجه به شیوه کدگذاری که استراوس و کوربین توسعه داده‌اند (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی) کدگذاری گردیدند. طی این سه مرحله کدگذاری داده‌ها، به تدریج از میان کدها، مفاهیم، از میان مفاهیم مقوله‌ها، و از میان مقوله‌ها نظریه استخراج شد. این پارادایم در برگزیده‌ی ابعادی چون: عوامل علی، پدیده، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی، کنش یا راهبردهای کنش و پیامدهاست.

جدول شماره (۲): وضعیت دموگرافیک در رشته‌های پارالمپیک ورزشی (کیفی - کمی)

وضعیت دموگرافیک در رشته‌های پارالمپیک ورزشی	رشته‌های پارالمپیک ورزشی	بستکال با ویلچر	والیبال نشسته	تنیس روی میز	تیراندازی	جودو	تیروکمان	دو و میدانی	جمع کل
مرد	۵	۵	۱۰	۵	۵	۲	۵	۳	۳۵
زنی	۵	۵	۱۰	۵	۵	۲	۵	۳	۳۵
جمع کل	۱۰	۱۰	۲۰	۱۰	۱۰	۴	۱۰	۶	۷۰
مرد	۱۰	۹	۱۲	۸	۸	۱۰	۱۰	۱۱	۷۰
زنی	۵	۵	۱۰	۵	۵	۷	۱۰	۸	۵۰
جمع کل	۱۵	۱۴	۲۲	۱۴	۱۳	۱۷	۲۰	۱۹	۱۲۰

تبیین جامعه‌شناختی داغ‌ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول . . .)

دستیابی به اعتماد (معادل اعتبار در تحقیقات کمی) در پژوهش حاضر به چند روش صورت گرفت:

۱- استفاده از تکنیک ممیزی: در این روش چند متخصص و صاحب نظر که در کار کیفی تجربه داشتند بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقولات و برداشت‌های محقق نظارت کردند.

۲- زاویه‌بندی نظری: این شیوه توسط دنزین پیشنهاد شده است. در این شیوه از نظریات و رویکردهای نظری مرتبط با موضوع تحقیق در مرحله توسعه مفاهیم حساس و تنظیم نظام مقولات و نیز برای تحلیل و تفسیر نتایج استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۵). ۳- ضریب توافقی کاپا: این ضریب ثبات و همبستگی نمرات بین داوران یا ارزیابان مختلف یک موضوع را می‌سنجد و ضریب توافق نامیده می‌شود که با ضریب کاپا نشان داده می‌شود. نتیجه تحلیل نشان می‌دهد که ۱۰۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته است اندازه توافق ضریب کاپا 0.788 به دست آمده است. مقدار احتمال آزمون نیز به صورت $P < 0.001$ value نشان داده می‌شود. بنابراین به دست می‌آوریم که داوران در تشخیص گویه‌ها توافق و هم‌نظر بودن بالایی با همدیگر هستند. در سطح معنی‌داری $\alpha = 0.05$ فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل که هم‌نظر بودن داوران می‌باشد، تأیید می‌شود. آماره Standard Error Asymptotic خطای استاندارد همبسته و Approximate T آماره T تقریبی است که در محاسبه ضریب کاپا به کار می‌رود. علاوه بر این، در پژوهش حاضر جهت سنجش روایی از معیارهای اسکینر، ادواردز و کوربت (۲۰۱۴) که در جدول شماره ۳ به آن اشاره شده است استفاده شد.

جدول شماره (۳): روش‌های اطمینان از روایی

روش‌های اطمینان از روایی	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری طولانی مدت مشاهده پایدار	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت‌کنندگان
بازرسی مجدد مسیر کسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به دست آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت، توسط محقق و یک همکار (دانشجوی دکتری) آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن با مشارکت‌کنندگان مثلث‌سازی	بررسی اطلاعات به دست آمده به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نتایج استفاده از منابع متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها
مقایسه مستمر	مقایسه داده‌های به دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به صورت مستمر در تمام طول تحقیق

یافته‌ها

در روند تحلیل مطالعات کیفی براساس سه مرحله انتخاب کدهای باز، تعیین کدهای محوری و درنهایت معرفی کدهای گزینشی یا انتخابی می‌باشد که تشریح می‌گردد:

۱- کدگذاری باز: کدگذاری باز عبارت است از نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای به هر کوچک‌ترین واحد معنادار از محتوای متنی هدف که در جدول ۴ به‌عنوان نمونه کدگذاری باز بیان شده است.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و نهم، تابستان ۱۴۰۰

جدول شماره (۴): کدگذاری باز

ردیف	گزاره	کد	مقوله (مقوله سازی سطح اول)
۱	گاهی وقتها احساس طرد شدن از تیم و تنهایی به من دست می دهد که هیچکس به من توجه نمی کند و به من اهمیت نمی دهند و باعث می شود که دیوار اعتماد فرو ریزد و حس بی اعتمادی به من دست می دهد.	IN-EN-07-01	عدم اعتماد به نفس
۲	در محیط باشگاه معلولین ورزشی ام گاهی بین من و بچه ها اختلاف و کدورت پیش میاد و یا درست بازی نکنیم و یا بازی را خراب بکنیم و بازنده شویم به همدیگر متلک می گویم و از کلمات (کودن، احمق، بی عرضه، عقب مانده ذهنی، چلاق، دست و پاچلفتی، بیمار بدبخت، احمق پیر، ناقص العضو و ...) استفاده می کنیم که خیلی ناراحت می شوم.	IN-EN-04-02	برچسب، متلک، مسخره
۳	گاهی وقتها مری تبیض قابل می شود بین من و بقیه بچه های ورزشکار و این حس بسیار بدی به من دست می دهد و فکر می کنم که مری توانایی های مرا نادیده گرفته است.	IN-EN-03-03	تبعیض مری
۴	گاهی وقتها بچه های ورزشکار علاوه بر متلک پرانی ها و فحش های که می دهیم، از عمل تنبیهی استفاده می کنند و در بازی مرا کمتر مشارکت می دهند و یا به من پاس نمی دهند.	IN-EN-07-04	طرد شدن
۵	گاهی وقتها احساس طرد شدن از تیم و تنهایی به من دست می دهد که هیچکس به من توجه نمی کند و به من اهمیت نمی دهند و باعث می شود که دیوار اعتماد فرو ریزد و حس بی اعتمادی به من دست می دهد. حذف شدن از فعالیت های دوستانه بدون اطلاع دادن به من خیلی سنگین است و آدم را می شکند؛ بعضی وقتها حس می کنم هر چه تلاش می کنم دیده نمی شوم.	IN-EN-09-05	عدم توجه و محبت کردن
۶	و گاهی وقتها در آن تایمی که مری به من زمان بازی کمتری می دهد من سعی می کنم بهترین بازی را داشته باشم که مورد توجه همه قرار بگیرم و حس برتر بودن من در تیم ثابت شود و خودم را غالب بکنم بر مری تا بیشتر به من توجه و اهمیت دهد.	IN-EN-01-06	تخفیف داغ ننگ
۷	وقتی یک بازی را خراب می کردم و ضعیف بازی می کردم خیلی ناراحت می شدم و می رفتم به گوشه ای می نشستم و تو خودم می ریختم.	IN-EN-06-07	خود خوری
۸	من برای پیشبرد رفتار و متمرکز کردن توجه ام به روی عناصر کلیدی اجرا، عمل، (تکنیک، تکنیک، احساسات و غیره) با خودم صحبت می کنم.	IN-EN-07-08	عملکرد ورزشی
۹

معمولاً در کدگذاری باز، محقق یک مقوله ی واحد را از چند عبارت مختلف که مصاحبه شوندگان گوناگون بیان داشته اند، استخراج می کند که در جدول ۵ به عنوان نمونه بیان شده است.

جدول شماره (۵): بسامد و تکرار مقولات

مقولات	تکرار
عدم اعتماد به نفس	۱۵ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۵
برچسب، متلک، مسخره	۲ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۲۷ و ۳۳ و ۳۹
تبعیض مری	۳ و ۶ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۴
طرد شدن	۴ و ۷ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۳ و ۳۲ و ۳۶
عدم توجه و محبت کردن	۵ و ۱۸ و ۲۶ و ۳۷
تخفیف داغ ننگ	۸ و ۱۹ و ۲۹ و ۳۸ و ۴۰ و ۴۴
خود خوری	۱ و ۴۱ و ۴۲ و ۶۳ و ۶۴
عملکرد ورزشی	۳ و ۴۳ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۵
.....

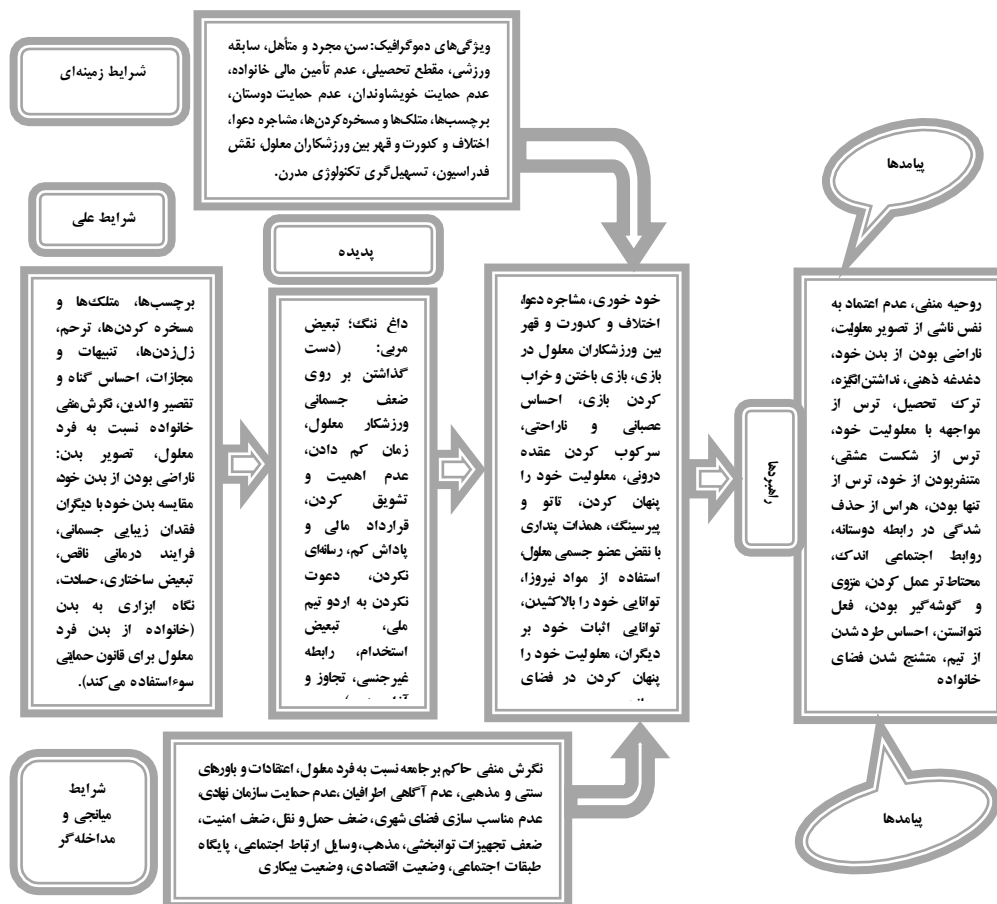
مهم ترین گام در مرحله کدگذاری انتخابی، ترسیم کدهای منتخب ناشی از مقولات علی، محوری، راهبردی، پیامدی و زمینه ای است. جدول زیر الگوی کدگذاری انتخابی منتج از کدگذاری محوری مندرج در جدول ۶ را بیان می کند.

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول ...)

جدول شماره (۶): مقولات محوری و منتخب در مدل تحقیق

مقوله اصلی	مقوله‌های منتخب (ابعاد)	مقوله
شرایط علی	اجزاء داغ ننگ	تصویر و نگاه ابزاری به بدن تنبیهات و مجازات داغ ننگ تقصیرات و نگرش منفی داغ ننگ
پدیده محوری	تبعیض	تبعیض مرئی تنهایی داغ ننگ عوامل محیطی
شرایط مداخله‌گر	عوامل اجتماعی	نگرش و اعتقادات و باورها پایگاه طبقات اجتماعی نقش تکنولوژی مدرن
شرایط زمینه‌ای	زمینه‌های حمایتی	نقش حمایتی خانواده، دوستان، فدراسیون نمایش مناسب ظاهری
راهبردها	استراتژی داغ ننگ	نقش فضای مجازی راهبردهای روحی مقاومت داغ ننگ اعتماد به نفس
پیامدها	پیامد فردی پیامدهای اجتماعی	ترس و ناراضی و منزوی تصورات قلابی تأیید شده داغ ننگ

شکل شماره (۱): مدل پارادایمی داغ ننگ در ورزش معلولین



یافته‌های کیفی؛ شرایط علی؛ شرایط علی در نظریه مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص اشاره دارد. در ذیل روایتی موجود ذکر شده است «خانم ش. ب. می‌گوید: متأسفانه دوستان ورزشکارم در محیط باشگاه با القاب زشت جنسی همدیگر را صدا می‌زنند که من خیلی دلخور می‌شوم و اگر نتوانیم درست خوب بازی کنیم فحش‌ها است که سرازیر می‌شود». این یافته‌ها با پارادایم تعریف اجتماعی و نتایج پژوهش‌های گافمن، بکر و لمرت، کینگ، همسو است. بکر و لمرت مدعی است برچسب زدن اشخاص به‌عنوان دیوانه، کودن و منگل و امثالهم به تغییراتی در هویت و خودپنداره‌ی آنان منجر می‌گردد. تأثیر برچسب به چگونگی تفسیر عمل توسط دیگران بستگی خواهد داشت. این امر به‌نوبه خود، به شخصی که مرتکب عمل می‌شود و به زمان و مکان ارتکاب عمل بستگی دارد (تامپسون^۱ (تامپسون^۱ به نقل از کینگ^۲، ۲۰۰۴: ۸۸).

پدیده‌محوری؛ پدیده طرح تئوری است که ممکن است نام طرح یا چارچوب طرح را در بر داشته باشد. مفهومی است که متغیرها را دو به دو در کنار هم قرار می‌دهد. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم ر. ص. می‌گوید: گاهی وقت‌ها احساس می‌کنم مربی بخاطر نوع معلولیتی که دارم و پیش خود فرض بر این دارد که من ممکن است عملکرد ضعیفی داشته باشم و این در نتیجه بردن بازی تأثیر بگذارد مرا کمتر بازی می‌دهد». وقتی که ساختارها و نهادها و کنشگران ورزشی (از مربی گرفته تا هم تیمی‌های ورزشی معلول ورزشکار) نسبت به فرد معلول ورزشکار (بر حسب نقش و جایگاه ورزشی و ورزشکار معلول، نوع و شدت معلولیت، جنسیت، شخصیت فرد معلول ورزشکار و بازی خراب کردن . . .) فرایند داغ ننگ (برچسب زدن، کلیشه شدن (رفتارهای قالبی)، جدایی (تفکیک، انفصال)، تنزل پایگاه و تبعیض) می‌زنند در واقع فرد را تنبیه و محصور و تحقیر قرار می‌دهند و فرد معلول ورزشکار از فرصت‌ها بازداشته می‌شود و به نوعی از ورزشکار معلول بهره‌کشی ابزاری می‌کنند.

شرایط مداخله‌گر و میانجی: منظور از شرایط مداخله‌گر وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم ج. ت. می‌گوید: فرصت‌هایی که فضای مجازی به من داده است باعث استقلال بیشتر من شده است. من با وجود اینترنت خود را معلول نمی‌دانم. من بدون اینترنت به‌راستی به آدم دارای معلولیت هستم، تو فضای مجازی لزومی نمی‌بینم که بگم من معلولم، نه این که نخوام یا بدم بیاد. دوست دارم وقتی در مورد کارم نظر می‌دهند در مورد کارم باشد، نه با این ذهنیت که کار یه فرد معلوله. ولی از طرفی وقتی که از فضای شبکه‌های مجازی تویتر فیس‌بوک و تلگرام و . . . عضو انجمن ورزشی معلولان شدم و با دوستان معلولم صحبت کردم و از تجربه‌ها و مشکلاتم را در میان گذاشتم حس خوبی به‌هم دست داد و برایم جالب بود». این

1- Thompson
2- King

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول . . .)

یافته‌ها با پارادایم انتقادی و نتایج پژوهش‌های پیر بوردیو همسو است. مدیریت بدن حاصل رابطه‌ی متقابل پایگاه طبقات اجتماعی، عادت‌واره و سلیقه‌ی افراد معلول است، که علاوه بر اعطاء سرمایه‌های سمبلیک و خرده‌فرهنگی به معلولین فرصتی برای دنبال کردن «تمایز»، شیوه‌ای برای هویت‌یابی و تعقیب سبک زندگی مطلوب خویش و در نهایت استفاده‌ی ابزاری از این سرمایه بدنی با تبدیل آن به فرصت‌ها و امتیازاتی در زندگی شخصی و اجتماعی فراهم می‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه امروزه معلولین مدیریت بدن خود را از طریق کردارهایی مثل تمرینات ورزشی، آرایش کردن، رژیم‌های غذایی و . . .، توانسته است رنگ و نماد تمایز بخشی به خود بگیرد و به‌عنوان حامل هویت شخصی افراد نیز عمل کند که از این رهگذر می‌توان تمایزات رفتاری و نگرشی افراد معلول را از طریق تفاوت الگوهای مدیریت بدنشان تفسیر کرد (ذکایی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطاند که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «آقای س. ص. می‌گوید: من همواره سعی می‌کنم ارتباط خوبی با بچه‌های گروه داشته باشم اما گاهی احساس می‌کنم بچه‌های گروه با هم بر علیه من تباخی می‌کنند و نظرات مرا کم‌توجهی می‌کنند و گاهی وقت‌ها هنگامی که بحث و نزاعی پیش می‌آید در باشگاه، طرف من را نمی‌گیرند و همواره من را محکوم می‌کنند». این یافته‌ها با پارادایم تعریف اجتماعی و نتایج پژوهش‌های زیمل همسو است. بنا به نظریه زیمل برخی عوامل محیطی نظیر داغ ننگ و برجسب‌زنی در میان گروه همسالان فرد رابطه‌ی قوی‌تر با رفتار مسأله‌دار نسبت به عوامل دیگر دارند. والدین و گروه همسالان دو گروه مرجع عمده‌ای هستند که بیشترین تأثیرات را در شکل‌گیری رفتار و الگوپردازی رفتار فرد دارند. کیفیت تعاملات و هماهنگی میان دو گروه و نیز نقش نظارتی هر یک منجر به کاهش یا افزایش شدت داغ ننگ می‌شود و از این جهت گروه همسالان تیمی ورزشی از اهمیت زیادی برخوردار است که طبق نظریه زیمل زمانی که گروه از دوگان به سه‌گان تبدیل شود پدید آبی ساختار گروهی مستقلی را امکان‌پذیر می‌سازد که امکان دارد گروه فردیت را تهدید کند و می‌تواند نقش میانجی یا داور را در نزاع بین دو عضو دیگر ایفا نماید و از نزاع‌های بین دیگران در راستای کسب قدرت بهره‌برداری کند. همچنین این امکان وجود دارد که دو عضو دیگر برای نفر سوم با هم رقابت نمایند یا عضو سوم نزاع‌های بین دو عضو دیگر را ترغیب نماید تا راحت‌تر هر دو را تحت کنترل درآورد. بنابراین یک نظام اقتدار و قشربندی به روش‌های گوناگون پدید می‌آید که نظریه غم‌نامه فرهنگی زیمل شکل می‌گیرد.

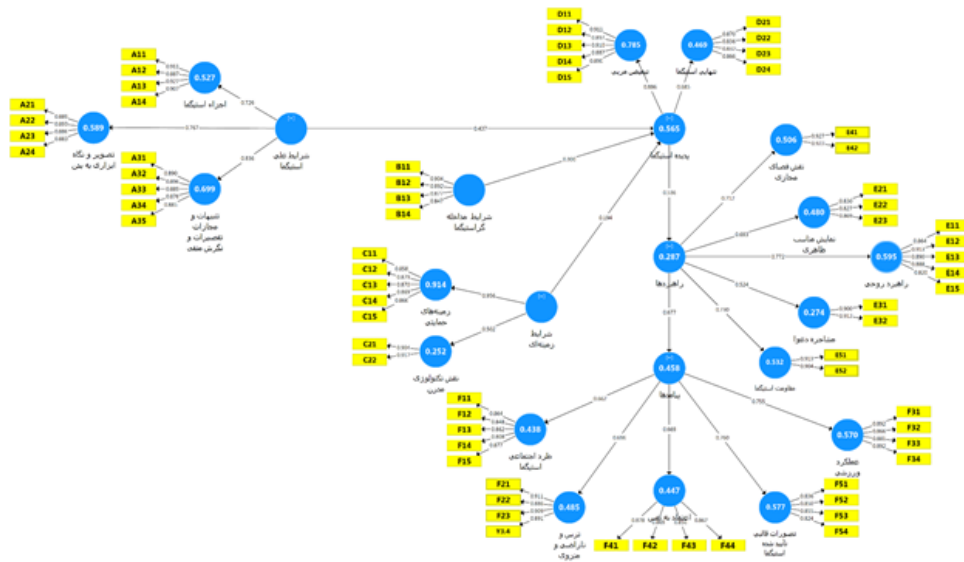
کنش و تعامل (راهبردها): مقصد، فعالیت‌های هدف‌گرا که کنشگر در پاسخ به پدیده و شرایط مداخله‌گر انجام می‌دهد. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «به‌عنوان مثال خانم ث. ع.

می‌گوید: همچنین ترس از دست دادن دوستان هم تیمی ورزشی‌ام برای من غیر قابل تحمل است، ترس از دست دادن رو ما خیلی پررنگ درک کردیم. چون سلامتی‌مون رو از دست دادیم. اگه بخواد از دست دادن دیگه‌ایی هم در کار باشه - ناراحت‌کننده می‌شه و از درون قلبم می‌شکند و برای همین ترجیح می‌دیم که اصلاً همچین اتفاقی نیفته و نظر بقیه دوستانم را به خودم جلب کنم که آن‌ها نسبت به من نگرش مثبتی داشته باشند». این یافته‌ها با پارادایم تعریف اجتماعی و نتایج پژوهش‌های کولی همسو است. خودآیندهای یعنی تصویری که یک فرد از خود دارد، ناشی از تصور تصویری است که دیگری از او دارد. چنانچه تصور نماید دیگری او را معلول و کوچک و ناتوان می‌داند، به همان صورت، تصویر خود را سامان داده متعاقب آن رفتار خود را شکل می‌دهد (جبلی، ۱۳۹۱: ۸).

پیامدها: پیامدها بکارگیری راهبردها ست که ممکن است خواسته یا ناخواسته باشد. در ذیل یکی از روایت‌های موجود ذکر شده است: «خانم م. ر. می‌گوید: گاهی وقت‌ها بچه‌های ورزشکار علاوه بر متلک‌پرانی‌ها و فحش‌های که می‌دهیم، از عمل تنبیهی استفاده می‌کنند و در بازی مرا کمتر مشارکت می‌دهند و یا به من پاس نمی‌دهند اینگونه رفتارها را خیلی رفتار سنگینی است و گاهی وقت‌ها احساس طرد شدن از تیم و تنهایی به من دست می‌دهد که هیچکس به من توجه نمی‌کند و به من اهمیت نمی‌دهند و باعث می‌شود که دیوار اعتماد فرو ریزد و حس بی‌اعتمادی به من دست می‌دهد». این یافته‌ها با پارادایم مدل اجتماعی، و نتایج پژوهش‌های آلبرشت همسو است. مدل اجتماعی معلولیت مدعی است که آنچه عده‌ای را ناتوان (Disable) می‌سازد از تفاوت‌های فیزیکی و بدنی و یا معلولیت و نقص عضو آن‌ها ناشی نمی‌گردد، بلکه معلول و محصول تعریف و برساخت اجتماعی است. این برداشت از معلولیت در پارادایم اجتماعی، موضوع طرد (Exclusion) معلولین را مطرح می‌سازد که در آن معلولین، مطرودین و ناتوان‌شدگان اجتماعی به‌شمار می‌آیند و دو گروه متفاوت را در خود جای دادند: نخست، کسانی که طرد را برابر با فقدان ادغام در گروه‌های اجتماعی می‌دانند و بر کارکرد روابط و نهادهای اجتماعی در ادغام دوباره طردشدگان تأکید می‌ورزند. دسته دوم، کسانی هستند که بالعکس طرد را ناشی از ادغام فرد یا گروه در جامعه می‌دانند و با نگرش انتقادی به فرهنگ و روابط اجتماعی می‌کوشند پرده از نقش ساختارها و روابط نابرابر قدرت در حاشیه‌رانی طردشدگان بردارند. بدین ترتیب، همان طور که آلبرشت^۱ (۲۰۰۰) متذکر می‌گردد «ناتوانی در افراد مستقر نیست بلکه در تبعیض تحمیل شده توسط جامعه و در محیط اجتماعی و فیزیکی است که توانایی افراد را برای مستقل بودن محدود می‌کند» (زرین‌کفشیان، ۱۳۹۵: ۱۹).

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول ...)

یافته‌ها کمی: در این راستا محقق بعد از به دست آمدن نتایج داده‌های کیفی در بخش کمی به شیوه پیمایشی، پرسشنامه محقق ساخته‌ای را ابتدا در یک مطالعه مقدماتی روی ۲۵ نفر از ورزشکار معلول اجرا شد. با توجه به بازخوردهای دریافتی، پرسشنامه اصلاح و نسخه نهایی آن در اختیار ۱۲۰ نفر از ورزشکار معلول قرار داده شد در این خروجی از مدل‌سازی معادلات ساختاری «با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۱ برای تدوین مدل تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری استفاده شده است که مدل تأیید گرفته شده برای مدل کیفی (مدل مفهومی) فرضیاتی را آزمون کرده است که بر اساس مدل پارادایمی به دست آمده در روش جی تی و تحلیل عاملی منجر به توسعه فرضیات شده است که این مدل مفهومی پرداخته شده محکی برای اعتبار «نظریه بر پایه^۲» تلقی و نظریه خلق شد.



نمودار شماره (۱): مدل تحلیل عاملی تأییدی چندسطحی و معادلات ساختاری در حالت تخمین ضرایب استاندارد

نمودار شماره (۱) مدل تحلیل عاملی تأییدی چندسطحی و معادلات ساختاری را در حالت تخمین ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. مجموع شاخص‌های پرسشنامه به سه متغیر مستقل (شرایط علی داغ ننگ، شرایط مداخله‌گر داغ ننگ و شرایط زمینه‌ای داغ ننگ)، ۲ متغیر میانجی (پدیده داغ ننگ و راهبردهای داغ ننگ) و یک متغیر وابسته (پیامدهای داغ ننگ) تقسیم شده‌اند. هر کدام از این ابعاد به

- 1- Smart pls
- 2- Grounded Theory Method (GTM)

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و نهم، تابستان ۱۴۰۰

مؤلفه، و شاخص نیز تقسیم شده‌اند. در این نمودار اعداد و یا ضرایب به سه دسته تقسیم می‌شوند که تحت عنوان بارهای عاملی مرتبه اول (روابط بین مؤلفه و شاخص)، دوم (روابط میان متغیرهای اصلی و ابعاد خودشان) و ضرایب مسیر (روابط میان متغیرهای اصلی) تقسیم‌بندی می‌شوند. در این پژوهش برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی از شاخص بسیار مهم ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (SRMR) استفاده شده است. حد مجاز این شاخص ۰/۱ می‌باشد. برای این مدل مقدار این شاخص ۰/۰۸۸ شده است و با توجه به اینکه از مقدار ۰/۱ درصد کمتر می‌باشد می‌توان گفت مدل برازش مناسبی داشته است و داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری است. در این پژوهش از آنجا که مدل تأیید گرفته شده است برای مدل کیفی (مدل مفهومی) و محقق فرضیاتی را آزمون کرده است بر اساس مدل پارادایمی به‌دست آمده در روش جی تی و تحلیل عاملی استفاده شده است که منجر به توسعه فرضیات شد که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۸): شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش مدل	مقدار برآورده شده	حد مجاز
SRMR	۰/۰۸۲	کمتر از ۰/۱

جدول شماره (۹): نتایج مدل معادلات ساختاری جهت بررسی روابط میان متغیرهای اصلی

اثرات	فرضیات	ضرایب		آماره تی	Sig	R2	وضعیت رابطه	جهت
		خطا	بنا					
اثرات مستقیم	شرایط مداخله‌گر داغ ننگ < پدیده داغ ننگ	0/300	0/067	4/491	0/000	0/565	تأیید	+
	شرایط زمینه‌ای داغ ننگ < پدیده داغ ننگ	0/194	0/083	2/348	0/019		تأیید	+
	شرایط علی داغ ننگ < پدیده داغ ننگ	0/437	0/073	5/957	0/000		تأیید	+
	پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ	0/536	0/064	8/348	0/000	0/287	تأیید	+
اثرات غیرمستقیم	راهبردهای داغ ننگ < پیامدهای داغ ننگ	0/677	0/049	13/932	0/000	0/458	تأیید	+
	شرایط مداخله‌گر ۱ داغ ننگ < پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ	0/161	0/164	4/172	0/000	-	تأیید	+
	شرایط زمینه‌ای داغ ننگ < پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ	0/104	0/103	2/215	0/027		تأیید	+
	شرایط علی داغ ننگ < پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ	0/234	0/238	4/337	0/000		تأیید	+
	شرایط مداخله‌گر داغ ننگ < پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ < پیامدهای داغ ننگ	0/109	0/112	3/798	0/000		تأیید	+
	شرایط زمینه‌ای داغ ننگ < پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ < پیامدهای داغ ننگ	0/071	0/071	2/117	0/035		تأیید	+
	پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ < پیامدهای داغ ننگ	0/363	0/369	6/263	0/000		تأیید	+
	شرایط علی داغ ننگ < پدیده داغ ننگ < راهبردهای داغ ننگ < پیامدهای داغ ننگ	0/159	0/163	3/983	0/000		تأیید	+

جدول جدول (۱۰): نتایج معادلات ساختاری جهت بررسی فرضیات

فرضیات	ضریب مسیر	t-value	R2	وضعیت رابطه
شرایط زمینه‌ای تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار	0/194	2/348		تأیید
شرایط مداخله‌گر تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار	0/300	4/491		تأیید
شرایط کنش متقابل و استراتژی تأثیر دارد بر روی جامعه، ورزشکاران معلول در قبال داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار	0/536	8/348	0/287	تأیید
شرایط پیامدی تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار	0/677	13/932	0/458	تأیید

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول . . .

۱- شرایط علی تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار و از آنجای که ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۵/۹۵۷ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط علی بر پدیده داغ ننگ تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط علی به میزان ۰/۱۹۰ از تغییرات واریانس پدیده داغ ننگ را تبیین می‌کنند. ۲- شرایط زمینه‌ای تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار و از آنجای که ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۲/۳۴۸ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط زمینه‌ای بر پدیده داغ ننگ تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط زمینه‌ای به میزان ۰/۰۳۷ از تغییرات واریانس پدیده داغ ننگ را تبیین می‌کنند. ۳- شرایط میانجی و مداخله‌گر تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین و از آنجای که ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۴/۴۹۱ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط مداخله‌گر بر پدیده داغ ننگ تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط مداخله‌گر به میزان ۰/۰۹ از تغییرات واریانس پدیده داغ ننگ را تبیین می‌کنند. ۴- شرایط کنش متقابل و استراتژی، تأثیر دارد بر روی جامعه، ورزشکاران معلول در قبال داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار و از آنجای که ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۸/۳۴۸ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط کنش متقابل و استراتژی بر پدیده داغ ننگ تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط کنش متقابل و استراتژی به میزان ۰/۲۸۷ از تغییرات واریانس پدیده داغ ننگ را تبیین می‌کنند. ۵- شرایط پیامدی تأثیر دارد بر روی داغ ننگ در ورزش معلولین ورزشکار و از آنجای که ضریب معناداری (t-value) این فرضیه ۱۳/۹۳۲ و بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، با ۹۵ درصد اطمینان شرایط پیامدی بر پدیده داغ ننگ تأثیر مثبت و معناداری دارد و شرایط پیامدی به میزان ۰/۴۵۸ از تغییرات واریانس پدیده داغ ننگ را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش صورت گرفته با روش تحقیق ترکیبی با طرح اکتشافی که بر پایه داده‌های کیفی و کمی مأخوذ از کنشگران اجتماعی است کوشید مدل پارادایمی از مفهوم داغ ننگ را بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم ارائه دهد. ۳۹ زیرمؤلفه برای داغ ننگ در ورزشکاران معلول استخراج و در قالب مدل نظری بر مبنای نظریه داده بنیاد ارائه شد. این مؤلفه‌ها به‌وسیله یک موضوع واحد با عنوان «رویکرد مؤثر به داغ ننگ در ورزشکار معلول» با یکدیگر ارتباط می‌یابند. نتایج شاخص‌های برازش در این پژوهش ۰/۰۸۸ به دست آمد که بیانگر مطلوبیت قوی مدل است و می‌تواند این مدل الگوی مناسبی با نگاهی کلی‌گرا، سیستمی و بلندمدت به مقوله‌ی ورزش معلولین باشد، می‌توان گفت که فرایند داغ ننگ در ورزش معلولین یک خصلت گفتمانی دارد. گفتمان محصول زبان است. اگر افکار زبان را فاسد می‌کند، زبان هم فکر را فاسد می‌کند. معلولیت بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناختی در

سطح اجتماع نگرسته می‌شود و آن چه به این واژه معنا می‌بخشد نوع نگاه و باوری است که افراد به فرد معلول خواهند داشت. به عبارتی دقیق‌تر، معلولیت، نتیجه اجتماعی نقص یا ناتوانی در افراد است که در افراد، مستقر نیست بلکه در تبعیض تحمیل شده به وسیله جامعه در محیط اجتماعی و فیزیکی که توانایی افراد را برای مستقل بودن محدود می‌کند و در کنش متقابل بین آسیب‌های فردی و پاسخ‌های خانواده و جامعه به آن‌ها که در تقلیل انتظارات نقشی، تعصبات، قوانین غیردوستانه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و بهره‌کشی ابزاری از ورزشکار معلول تجلی می‌یابد قرار دارد (جیلی، ۱۳۹۱: ۲۴). تحلیل یافته‌های این تحقیق با کارهای پیشین در بعد پارادایم تعریف اجتماعی همچون گافمن، بکر و لمرت، کینگ (از لحاظ برجسب‌زنی در ورزش معلولین) و هوارد کاپلان و جورج هربرت مید (از لحاظ خودپندار انگاری و عزت نفس در ورزش معلولین) و کولی (از لحاظ خودآینده‌ای در ورزش معلولین) و جسر و جسر (از لحاظ رفتار مسأله‌دار در ورزش معلولین) و زیمل (از لحاظ تبدیل گروه از دوگان به سه‌گان در ورزش معلولین) همسو است و در بعد پارادایم فردگرایانه سلامتی و بیماری، همچون برایان ترنر (از لحاظ مدل اخلاقی در ورزش معلولین) همسو است و در بعد پارادایم اجتماعی، همچون آلبرشت (از لحاظ طرد اجتماعی در ورزش معلولین) همسو است. ولی آن چیزی که در این تحقیق کار محقق را با تحقیقات پیشین متمایز می‌کند و تحلیل جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین در این تحقیق را برجسته می‌کند پدیده بهره‌کشی ابزاری از فرد معلول ورزشکار است که در این تحقیق را می‌توان آنرا به فرد، خانواده و اجتماع منتسب دانست. در وهله نخست مجموعه نگرش‌های بهره‌کشی اعضای خانواده (اعم از والدین، خواهر و برادر و دیگر اعضاء) از نظر تعامل با فرد معلول ورزشکار گرفته تا سوءاستفاده ابزاری از بدن معلول ورزشکار برای جلب خدمات خیریه و قانون حمایتی به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند، و در مرحله بعدی سایر نهادها و کنشگران ورزشی، نسبت به فرد معلول ورزشکار، نوع و تعامل‌های حال و آینده او با خود و محیط زندگی‌اش را تعیین می‌کند. دامنه تأثیر این بهره‌کشی شامل هر نوع رفتار فیزیکی یا غیرفیزیکی است که هدف آن کنترل کردن، ترساندن، تحقیر و تنبیه کردن و به انزوا کشاندن و انقیاد شخص معلول ورزشکار است. در اینجا با دیدگاه مختلف می‌توان این پدیده را تبیین و بررسی کرد. این پدیده بهره‌کشی از معلولان ورزشکار همزمان می‌تواند جزء شرایط علی، شرایط پدیده، شرایط کنش و تعامل (زاهبردها) محسوب شود. از یک دیدگاه این پدیده بهره‌کشی جزء شرایط علی است که بهره‌کشی از بدن معلول ورزشکار و سوءاستفاده ابزاری، فرد معلول ورزشکار را به سمت داغ ننگ می‌برد. از دیدگاه دیگر بهره‌کشی جزء شرایط پدیده است که نهادها و کنشگران ورزشی (از مربی گرفته تا هم تیمی‌های ورزشی معلول ورزشکار) نسبت به فرد معلول ورزشکار بر حسب نقش و جایگاه ورزشی ورزشکار معلول، نوع و شدت معلولیت، جنسیت، شخصیت فرد معلول ورزشکار و بازی خراب کردن . . . فرایند داغ ننگ (برجسب و تبعیض، طرد) می‌زنند و از ورزشکار معلول بهره‌کشی ابزاری می‌کنند. از

تبیین جامعه‌شناختی داغ ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول . . .

دیدگاه دیگر این پدیده جزء شرایط کنش و تعامل (راهبردها) محسوب می‌شود که فرد ورزشکار معلول، راهبردی پیش می‌گیرد که در برابر بهره‌کشی و داغ ننگ و برچسبی که می‌خورد، مقاومت کند با تمرینات ورزشی سخت و فشرده‌ای که انجام می‌دهد توانایی خود را بر دیگران از جمله هم‌تیمی‌ها و مربی و خانواده و دوستان نشان دهد و اعتبار هویتی داغ خورده خود را بازیابی و نشان دهد که فرد توانایی است. در کل یافته‌های ما نشان داد که داغ ننگ یک برساخته اجتماعی است و نتایج نیز این را تأیید کرد که تا چه اندازه نگرش‌ها و هنجارهای جامعه ورزشی در تعریف داغ ننگ معلولیت ورزشکار نقش داشته و بنابراین در طرد این افراد و جلوگیری از شرکت فعالانه آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی و ورزشی مؤثر واقع می‌شوند. فرایندهای داغ ننگ ظاهراً یک کارکرد اجتماعی عمومی دارند جلب حمایت جامعه برای آن‌هایی که توسط جامعه حمایت نمی‌شوند و تا زمانی که به کار خود می‌پردازند ظاهراً در برابر تغییر مقاومت می‌کنند (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

تشکر و قدردانی؛ نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از معلولین ورزشکار شرکت‌کننده در این پژوهش که بدون حضور آن‌ها انجام این مطالعه میسر نبود، تقدیر و تشکر به عمل آورند.

منابع

- ابراهیمی، بهروز. (۱۳۸۷). ورزش معلولین. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- استفانی جی، هانراهان. (۱۳۸۷). روانشناسی ورزش معلولان. فتح‌الله مسیبه ترجمه‌ی تهران: انتشارات کمیته‌ی ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.
- اسد، محمدرضا. (۱۳۸۴). تربیت بدنی و ورزش معلولین، تهران: دانشگاه پیام نور.
- اسدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). توانبخشی مبتنی بر جامعه: اشتغال معلولین به شیوه استاد شاگردی. تهران: انتشارات رشد فرهنگ.
- افتخار، پریسا. (۱۳۹۷). معلولیت چالش‌ها و سیاست‌ها در ایران. تهران: نشر کتاب پارسه.
- پورمحمدی، نعیمه. (۱۳۹۸). جهان معلول ساز: درباره اخلاق معلولیت. قم: انتشارات توانمندان.
- جبلی، خدیجه. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی معلولیت. تهران: نشر علمی.
- جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۸۸). اصول میانی و اهداف ورزش معلولان. تهران: شرکت تضامنی انتشاراتی حتمی و شرکا.
- جیولیونوتی، ریچارد. (۱۳۹۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی انتقادی در ورزش. افسانه توسلی ترجمه‌ی تهران: نشر علم.
- حسینی، نگین. (۱۳۹۳). درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سیمای شرق.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و نهم، تابستان ۱۴۰۰

- حیدری نیک، حسین. (۱۳۹۳). ورزش و معلولین. تهران: نشر ورزش.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا. (۱۳۸۹). کاربرد نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی در توانبخشی معلولین. تهران: انتشارات دانژه.
- دقیقه رضایی، سعید. (۱۳۹۵). تربیت بدنی و ورزش معلولین. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- رحمانی، بهزاد. (۱۳۹۸). نقش طراحی مناسب مجموعه‌های ورزشی شهر تهران در افزایش تعاملات اجتماعی معلولان جسمی - حرکتی. مجله مطالعات شهری، ۳۳ (۲)، ۹۶-۶۵.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۲). نظریه‌ی جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه‌ی خلیل میرزایی، علی بقایی سرابی تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- زرین‌کفشیان، غلامرضا. (۱۳۹۵). ناتوان‌شدگان: رویکردی جامعه‌شناختی به طرد اجتماعی معلولین. قم: انتشارات سپهر اندیشه.
- ساعی شتربانی، روح‌الله. (۱۳۹۶). حقوق اجتماعی معلولان. تهران: انتشارات دانژه.
- شینک، رابرت. (۱۳۹۳). ورزش برای توسعه، صلح و عدالت اجتماعی. ترجمه‌ی سید مهدی آقاپور، تهران: نشر علمی.
- عباداللهی، حمید. (۱۳۹۰). داغ ننگ و هویت اجتماعی: بررسی موردی عوامل اجتماعی داغ ننگ زنده بر افراد دارای معلولیت جسمانی آشکار در شهر رشت. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۵ (۲)، ۲۵-۱۵.
- عبداللهی کیوانی، سیده زهرا. (۱۳۹۲). معلولیت و زندگی روزمره در شهر تهران. تهران: انتشارات تیسرا.
- عبداللهی، رضا. (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی قشربندی معلولیت در ایران. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- قانع عزآبادی، فرزانه. (۱۳۹۳). تجارب زیسته‌ی دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه‌ی داغ ننگ ناشی از تجرد. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۱)، ۲۸-۱۵.
- کلدی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی نگرش مردم نسبت به معلولین. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۲)، ۲۶-۸.
- کولی، جی. (۱۳۹۳). ورزش در جامعه ۱ و ۲. ترجمه‌ی بهرام قدیمی، تهران: انتشارات بامداد کتاب.
- گافمن، اروینگ. (۱۳۸۶). داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده. مسعود کیانپور (مترجم). تهران: نشر مرکز.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری. تهران: انتشارات اطلاعات.

تبیین جامعه‌شناختی داغ‌ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول) . . .

- موسوی داور، وحید و زمانی، رویا. (۱۳۹۷). معلولیت، چالش‌ها و سیاست‌ها در ایران. تهران: انتشارات کتاب پارسه.
- ناظمی، عالیه و همکاران. (۱۳۹۶). معلولیت (علل، انواع و پیشگیری). اردبیل: نشر نایاب.
- ویس، اتمار. (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی ورزش. ترجمه‌ی کرامت‌لله راسخ. تهران: نشر نی.
- Ablon, Joan. (2015). The nature of stigma and medical condition. *Epilepsy & Behavior* 3. 2-9.
- Albrecht, G. L. and J.A. Levy. (2015). "Chronic Illness and Disability as life Course Events." *Advances in medical sociology* 2:3_13
- Baraldi, C. (2017). Community-based rehabilitation. Paper presented at the 141st APHA Annual Meeting and Exposition (November 2-November 6, 2017).
- Bauman, J. F. (2015). "The truly segregated Exploring the urban underclass" *Jornal of Urban History*, 21(4), 536-548.
- Bender, W. N; Vail. C. O. & Scott, K. (2017). Teachers Attitudes toward Increased Mainstreaming Implementing Effective Instruction for Students with Learning Disabilities. *Joumal of learning disabilities*, 28(2). 87-94.
- Clark, M. W. (2017). Competitive sports for the disabled. *The American Journal of spirts medicine*, 8(5) 300-309,
- Derrington, C; & Kendall, S. (2014). "Gypsy traveler students in secondary school: culture, identity and achivement". Stoke on Trent, UK: Trentham Books.
- Donkor, S and Sandall, Jane (2017) "The impact of perceived stigma and mediating social factors on infertility-related stress among women seeking infertility treatment in southern Ghana" *Journal of Social Science & Medicine*, 65: 1694-1683.
- Eshel, I. (1978). On the handicap principle-a critical defence. *Joumat of theuretical biology*, 70(2).345-250.
- Finch, R. G. (2016). A Disabled Definition. *Michigan bar Journal*, 85(8). 39
- Fougeyrollas, P. (2018). Revision of the Quebec Classification: handicap creation Press: Interational Network on the Handicap Creation Process.
- Goodley, D. (2016). "The Politics of Resilience: Self_advocacy in the lives of people with learning difficulties, for Disability, Hurnan Rights and Social Series." Buckingham, Open University press.
- GuralnikJ. M; L.P. Fried, and M.E. Salive. (2016). "Disability as a Public Health Outcome in the Aging Population" *Annual Review of Public Health*_46.
- Hollo, Lenna. (2017). "Discrimination and cnflict prevention". Produce by Folk Bernadotte Academy, Printed by Edited Stockholm.
- Kessler RC, Mickelson KD, Williams DR. (2016). "The prevalence, distribution, and mental health correlates of perceived discrimination in the United States." *J. Health Soc. Behav.* 40(3):208-30

- Lewis, S. et al. (2015) "How do Obese Individuals Perceive and Respond to the Different Types of Obesity Stigma that They Encounter in Their Daily Lives? A Qualitative Study." *Journal of Social Science & Medicine*, 73:1349-1356.
- Livingston, D. and Boyd, E. (2016) "Correlates and Consequences of Internalized Stigma for People Living with Mental Illness: A Systematic Review and Meta analysis." *Journal of Social Science & Medicine*, 71:2150-216.
- McCann, B. L. (2017). Classification of the locomotor disabled for competitive sports: theory and practice. *International Journal of Sports Medicine*, 3(1). 167-170.
- Morley, D; Bailey, R; Tan, J; & Cooke, B. (2017). Inclusive physical education: Teachers' views of including pupils with special educational needs and/or disabilities in physical education. *European Physical Education Review*, 11(1), 84-107.
- Ninot, G; Bilard, J; & Delignières, D. (2018), Effects of integrated or segregated sport participation on the physical self for adolescents with intellectual disabilities. *Journal of intellectual disability research*, 49(9), 682-689
- Organization, W. H. (2018). International classification of impairments, disabilities, and handicaps: a manual of classification relating to the consequences of disease, published in accordance with resolution WHA29. 35 of the Twenty-ninth World Health Assembly, May 2018.
- Ogbu J. (2016). "Low school performance as an adaptation: the case of blacks in Stockton, California." In *Minority Status and Schooling*, ed. MA Gibson, JU Ogbu, pp. 249-85. New York: Garland
- Osler, A; & Morrison, M. (2016). "Inspecting schools for race equality: OFSTED's strengths and weaknesses: A report for the commission for Racial Equality." Stock on Trent, UK: Trentham Books
- Paciorek, M. J; & Jones, J.A. (2018), *Sports and Recreation for the Disabled: A Review Manual*: PRIC
- Quillian L. (2016). "New approaches to understanding racial prejudice and discrimination." *Annu. Rev. Sociol.* 32:299-328
- Sertoz00, Doganavsargil0, Elbi H. (2019). Body image and self-esteem in somatizing patients. *Psychiatry and clinical neurosciences*. 63 (4):508-15
- Sherrill, C. (2016), *Sport and disabled athletes*: Human Kinetics Publishers.
- Singh R. Hunter J and Philip A. (2017). The rapid resolution of depression and anxiety symptoms after lower limb amputation. *Clinical rehabilitation*. 21(8):754-9.
- Steele C. (2016). "A threat in the air: how stereotypes shape intellectual identity and performance." *Am. Psychol.* 52(6):613-29
- Talsporos G and McCalze Mr. (2018). The impact of physical disability on body esteem. *Sexuality and disability*. 19 (4):293-308

تبیین جامعه‌شناختی داغ‌ننگ در ورزش معلولین (مطالعه موردی مردان و زنان ورزشکار معلول) ...

- Taleporos, George; McCabe, Martia P. (2016). Body image and physical disability-personal perspectives. *Social Science & Medicine*. 54, 971-980.

- Vanlandewijck, Y.C. & Charact. R. J. (2016). Integration and classification issues in competitive sports for athletes with disabilities. *Sport Science Review*, S (1), 65-88.

- Yang, Lawrence H; Kleinman, Arthur; & Linka, Bruce G. (2017). Culture stigma: Adding moral experience to stigma theory. *Social Science & Medicine*. Volume 64, Issue 7, pages 1524-1535.

- Yardley, L; Verschuur, C; Masson, E; Luxon, L, & Huache, N. (2017). Somatic and psychological factors contributing to handicap in people with vertigo. *British Journal of audiology*. 26(5). 283-290.